

نبش قبر نظام!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

در روزهای اخیر قطع برق در اکثر مناطق ایران باعث اعتراضات گسترده ای شده است. شهروندان معترض تاکنون دست کم در ۲۲ شهر در مقابل ادارات مرکزی برق و در محلات خود دست به تجمعات وسیعی زده اند و خشم و نفرت خود را با سر دادن شعارهایی علیه دولت و حاکمیت ابراز داشته اند. خیرها حاکی است که با قطع مداوم و مکرر برق در بخش خدمات درمانی و بیمارستانها، تاکنون بالغ بر صدها شهروند بیمار و نیازمند که حیات شان به دستگاه های تنفسی و الکترونیکی وابسته است، جان خود را از دست داده اند. موج عظیم هرج و مرج و ترافیک شهری به دلیل از کار افتادن چراغ های راهنمایی در کنار فاسد شدن و تلف شدن اساسی ترین اقلام خوراکی شهروندان در سوپرمارکت ها و دامداری ها در این گرمای تابستان، جامعه را با کمبود بیشتر آذوقه و خطر مرگ مواجه کرده است.

«توصیه» مقامات به اینکه «ما خودمان هم نمیدانیم که دلیل قطعی برق چیست و لذا مردم خودشان قوانین را رعایت کنند»، چیزی بیش از بی لیاقتی و بی مسئولیتی حاکمیت در قبال زندگی بیش از هشتاد میلیون نفر شهروند این جامعه نیست. .. صفحه ۲

ما همراه یک انقلاب سیاسی و فرهنگی

روی کار می آیم و...

منصور حکمت

توضیح حکمتیست: بحران مشروعیت سیاسی و اقتصادی که سر تا پای بورژوازی ایران و حاکمیت اش در قدرت یعنی جمهوری اسلامی را فرا گرفته است، نشانی از فروکش کردن ندارد؛ تکاپوی جناح های بورژوازی ایران در اپوزیسیون و پوزیسیون برای رفو کردن میانی این بحران و تقلیل دادن آن به «عدم مدیریت مناسب» اگر ناشی از سفاهت آنها نباشد، قطعاً برای نجات نظام سرمایه داری از گزند طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه در روندهای سرنوشت ساز امروز است.

به این بهانه، در این شماره حکمتیست، توجه شما را به بازنشر مطلبی به قلم منصور حکمت در این خصوص جلب میکنیم...

صفحه ۳



گوتنبرگ (سوئد) سوم ژوئیه
آکسیون در حمایت از اعتصاب کارگران نفت،
گاز و پتروشیمی
واحد گوتنبرگ حزب حکمتیست (خطرسمی)

ما حق نداریم بهمیریم!

این سرزمین جز برای کار و جز برای جان کندن ما جایی ندارد!

مصطفی اسدپور

خبرها حکایت از بحران قبر در ایران دارند. بر اثر مرگ و میر ناشی از کرونا در سیستان و بلوچستان بازماندگان قربانیان اپیدمی در صفهای هر چه طولانی، حتی در روستاها سراسیمه بدنبال محلی برای دفن مردگان خود سرگردان هستند. اخبار از بهشت زهراي تهران حکایت از تلکه و دکان سودجویی خفت آور مسئولان دولتی در اخاذی قیمت های سنگین و شرم آور بیست میلیون تومانی برای یک وجب خاک در دور افتاده ترین بیابانهای منطقه دارد. این در حالی است که از سیستان و بلوچستان تا تهران قبرهایی با قیمت گران در انتظار مشتری پول دار دهن باز کرده و خمیازه میکشند.

برای آن پیکر داخل جعبه چوبین، برای آن زن یا مرد، حق پوسیدن آخرین حقی است که حسرت آن، بر آخرین بقایای وجود او سنگینی میکند. ذره ذره آن پیکر مشحون از حسرت، حسرت آسودگی، سیر بودن، سلامتی، شادی، حسرت احترام و ارضاء نیازها، حسرت غرور و امنیت است.

برای آن پیکر داخل جعبه چوبین قبر اولین مامنی نیست که در برویش بسته میشود. او را بارها و بارها قبلاً با دست خالی از مدارس، کارخانه ها، رستورانها، آپارتمانها، بیمارستانها، تفریحگاه ها پس رانده اند.

برای آن پیکر داخل جعبه چوبین داستان پوچ وطن تازگی ندارد. او این خاک را میشناسد؛ او با دستهای خود از این خاک و بر بستر بیابانهای برهوت شهرها، راهها و جنگلها و تاسیسات و آسمان خراشها؛ قصرها، ویلاهای رفاه و عیاشی را آفریده است و همیشه از بیغوله ها، زباله دانیها، زندانها و ناکجا آبادهای فقر و استثمار و بهره کشی سر بر آورده است... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

اما طنز تلخ این رویداد و اهمیت این خبر درباره جعبه چوبین و مردگان نیست. داستان امروز، پرده آخر دردناک سرنوشت کسی از کسان ما نیست، سرگذشت خود ما است. این خود ماییم، خاطرات و زخم ها، محرومیت ها، حرص و خفت ها، نفرین ها، مشقت به دیوار کوبیدن ها است که یکباره جان میگیرند. این هیولای اسلامی سرمایه است، که در تمام هیبت جبن و دیروزگی، یکبار دیگر جلوی روی ما سبز میشود، طلبکار است، شانه بالا میاندازد و دست اخاذی به جیب ما دراز میکند. طنز تلخ این خبر رو به ما است، و پژواک واقعیتی که هر روز در هزار بیان خود را در تنهایی و در جمع به در و دیوار میکوبد:

ایران تحت حکومت اسلامی سرمایه سرزمین فقر و فرسودگی و بیحقوقی و مرگ است. اما ما حق نداریم بمیریم. ما حق نداریم، نباید فرزندان، عزیزان و هموعان را در این سرنوشت تنها بگذاریم. ما حق نداریم کیفر خواست پدر مادر و رفقای خود را زیر هر خاکی و در هر قبرستانی که حواله مان بدهند، دفن کنیم. اگر قرار باشد انتخاب کنیم نه در تنهایی و فقر، نه در پستوی انتظار باریکادهای تصرف مناطق ثروتمند نشین، شکست در انبار احتکار نیاز مردم و در تدارک تحقق عطش آتشین آزاد سازی زندانیان خود زندگی را به بازی میگیریم. اگر قرار باشد قبرستانی انتخاب کنیم، نام و نشان و یادگار شریف ترین انسان های تاریخ معاصر را از گمنامی خاوران و لعنت آبادها به قلب شهرها خواهیم آورد. اگر یک وجب خاک فنانک کمترین و حداقل احترامی است که میتوان بعنوان وظیفه یک جامعه متمدن در مقابل وجدان انسانی انتظار داشت؛ ما در صف مردم آزاده جامعه اعماق خاک زندانها، کارخانه ها، چهار راه های فقر و تن فروشی را در ادای احترام به شرافت و ارزشهای انسانی با چنگ و دندان زیر و رو خواهیم کرد.

اما همه مقابله ما با جمهوری اسلامی سرمایه بر سر زندگی، زنده ماندن و بهتر زیستن است. دست این حکومت را قبل از مردگان باید از سر زندگان کوتاه کرد. دست تلکه و جیب بری بجای خود، مهمتر از هر چیز باید ماشین استثمار و بهره کشی را مهار زد. قبرستان بجای خود، در دفاع از پیکره زخم دیده مردم از حکومت سرمایه باید خود مرگ را در ایران قلاوه زد. این دقیقا همان امری است که موج اعتصابات کارگری در مقابل خود قرار داده است. اعتصابات و مبارزات کارگری با حق طلبی و شور اتحاد و هم سرنوشتی، با تکیه به سازمان و استخوانبندی رهبران با مطالبات دستمزد و بیمه ها و بهبود شرایط کار پرچم زندگی را برافراشته اند. در حالیکه دشمنان ما، جز در همسایگی موشهای کور بیابانهای دور افتاده جایی برای عقب نشینی برای ما باقی نگذاشته اند؛ این جنبش باید قوی، همه گیر و تعرضی باشد. دست اتحاد بهم بدهیم و پرچم حق طلبی و غرور خود را با انبان باروت کینه و نفرت به عزم فتح قلبه های ثروت و رفاه و آسایش به حرکت در آوریم. این جنبش نمیتواند به چیزی کمتر از در هم کوبیدن کل ماشین مرگ اسلامی سرمایه در کارخانه ها، زندانها و دستگاه قانونگذاری رضایت دهد.

کارگران!

متشکل و متحد مبارزات تان را برای احقاق حقوق خود و علیه استثمارگران، علیه کارفرمایان و حکومتشان ادامه دهید! دسیسه های حاکمیت را بر ملا کنید. اتحاد و برادری و قدرت خود را از پایین و با تکیه بر مجامع عمومی خود، اعمال کنید. سیاست تفرقه و شکاف در صفوف خود را در هم بشکنید. شرافت و وجدان کارگری خود را به معرض نمایش بگذارید تا هر کسی که از بیرون به صفوف شما نگاه میکند، بداند و بفهمد که کارگران تنها با تکیه بر نیروی خود، با تکیه بر تصمیم جمعی و صف متحد خود، میتوانند هجوم سرمایه داران و دولت آنها را خنثی و افسار بزنند. بگذار طبقه حاکمه در ایران بفهمد که با چه قدرتی روبرو است!

دولتی که عرضه تامین ابتدایی ترین نیازمندی های شهروندان را ندارد؛ دولتی که عاجز از تامین حداقلی از زندگی برای شهروندان جامعه است، ناتوان از تضمین امنیت جانی شهروندان است؛ دولتی که قادر نیست اساسی ترین امکانات را در اختیار سیل زدهگان و زلزله زدهگان و مصیبت زدگان قرار دهد، دولتی که عاجز از تامین واکسن کرونا و ممانعت از کشتار خاموش محرومان بدست این ویروس سیاه است؛ نظام درمانده ای که بجای هزینه کردن در عرصه رفاه و آسایش مردم، کرور کرور هزینه دستگاه عریض و طویل مجلس، بیت امام، وزارت اطلاعات و سپاه قدس و استخدام مزدوران مخوفش میکند تا صدای حق خواهی و عدالت طلبی محرومان را تعقیب و خفه کند؛ نظامی که در آن کودکان به گدایی و گرسنگی و بیگاری کشیده شده اند و در عوض زندانهای بیش از این گنجایش آزادخواهان و حق طلبان را ندارد؛ دولتی که بجای ارزش نهادن به زندگی و حیات و حرمت انسان، اعدام میکند و میکشد و بیکار میکند؛ دولتی که عاجز از تامین بیمه بیکاری و خدمات اجتماعی رایگان برای شهروندان است اما در عوض تا چشم کار میکند خرج گله های بسیج و سپاه و ارتش و دار و دسته های نظامی و شبهه نظامی اش میکند؛ دولتی که بجای آزادی تحریک، عقیده، بیان، اعتصاب و احترام به انسان در جهان معاصر، به اتهام مخالفت سیاسی اعدام میکند و شاهگر حیات سیاسی و اقتصادی شهروندان را میزند؛ حاکمیتی که از رئیس جمهورش تا بیت رهبری و روسا و مسئولین دولتی اش، برای کم ترین مسئولیت در قبال زندگی شهروندان، شانه بالا می اندازند و در کمال وقاحت و گستاخی اعلام میکنند: «دولت مقصر نیست»؛ دولتی که بعد از عروج اعتصابات و اعتراضات کارگری، امروز هشت اش در گرو نه است، چرا کنار نمیروید و اداره جامعه را به دست رهبران و نمایندگان سوسیالیست و صاحب صلاحیت مردم نمیدهد؟! رهبران سوسیالیستی که عزم کرده اند رفاه، آسایش، معیشت و حق حیات شهروندان را از تعرض حاکمیت موجود مصون نگه میدارند! رهبران مشرعی که در دفاع از مطالبات اساسی شهروندان جامعه ایران، پیه سرکوب و زندان و خطر ترور و تعقیب شان توسط عمال حاکمیت اسلامی را به تن مالیده اند! سوسیالیست هایی که پا پیش گذاشته اند و با گردنی افراشته از آنچه حق انسان در قرن بیست و یکم است و باید باشد، کوتاه نمی آیند! رهبرانی که امروز از اعماق جامعه ایران، از دل طبقه کارگر ایران به سطح آمده اند و ادعای اداره جامعه کرده اند!

این حاکمیت نشان داده است که نه اهل «اصلاحات» و رفهم است؛ نه اهل «گشایش سیاسی و اقتصادی» است؛ نه اهل «توسعه و آبادانی» است و نه اهل «ادب شدن»! این حاکمیت را از روز اول گماشته اند تا با چماق استبداد، توقع بالای کارگر و شهروند جامعه ایران از زندگی در جهان معاصر را سرکوب کند و به خون بکشد؛ این نظام را گماشته اند تا اقتصاد و رفاه و معیشت را «زیربنای الاغ» جلوه دهد! این نظام اگر خاصیتی دارد همین است که «استاندارد» بالایی از خفقان و فقر و سرکوب را به جامعه ایران تحمیل کند.

این نظام رفتنی است؛ این را خودشان بهتر از هر کسی میدانند! مبارزه برای رفاه و برابری، نبرد برای آزادی و رفع تبعیض امروز جزء لاینفک مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است. شرح شکل دادن به یک انقلاب اجتماعی برای جامعه ای مرفه، برابر و کمونیستی در گشت و گذار است. رهبران و پیشقراولان طبقه کارگر برای پایان دادن به فقر و محرومیت و ناایمنی در جلو صف مبارزه مردم ایران علیه حاکمیت جمهوری اسلامی ایستاده اند! این تنها طبقه و جنبش واقعی برای تحقق بخشیدن به عدالت، رفاه و آزادی در جامعه ایران است. این یگانه جنبشی است که برای برابری، رفع تبعیض، برخورداری از نعمات زندگی در سرتاسر ایران به حرکت درآمده است. دولت آتی باید دولت این طبقه و دولت تحقق بخشیدن به رفاه، معیشت و آزادی باشد!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
۱۷ تیر ۱۴۰۰ (۷ ژوئیه ۲۰۲۱)

شور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

و قلب اروپا و آمریکای شمالی را رها کند و به ایران سرازیر بشود، دارد وقت مردم را تلف میکند.

تلاشگران: شما در نهایت خواهان حاکمیت پرولتاریا هستید. با مسئله جهانی شدن جهان «گلوبالیزاسیون» و تقریباً در همه عرصه‌ها و بخصوص در عرصه سیاست و اقتصاد چه برنامه‌ای دارید و چگونه میخواهید با سرمایه‌داری جهانی که عامل اصلی این پیشامد است و از تکنیک بسیار پیچیده و تکامل یافته‌ای برخوردار است رویارویی کنید؟

منصور حکمت: ایران سوسیالیستی کشوری پهناور با ۶۰ - ۷۰ میلیون جمعیت در یکی از حساس‌ترین نقاط دنیا خواهد بود. جامعه آزاد ما اگر از تهدیدات و توطئه‌های نظامی مرتجعین در سطح جهانی مصون بماند و وجود خود را به هر حال به سرمایه‌داری جهانی بقبولاند، آنوقت به عنوان بخشی از همین دنیا، قدرت‌ها باید با آن کنار بیایند. ما هم با سر به دیوار سنگی این سرمایه‌داری جهانی حمله نخواهیم کرد. ایران سوسیالیستی سیاستی بسیار هوشمندانه خواهد داشت. به موازات گلوبالیزاسیون (که شخصا آن را یک وجه اجتناب‌ناپذیر از سرمایه‌داری جهانی میدانم و خواهان عقب‌گرداندن چرخ تاریخ نیستم) شاهد این هم هستیم که شهروندان بخصوص در قلمرو تبادل اطلاعات و سازماندهی فشار به بالا، قدرت عمل بیشتری یافته‌اند. دولتهای غربی حرف آخر را درباره انتقال اطلاعات و تکنولوژی در عصر ما نمی‌زنند. جمهوری سوسیالیستی در ایران یک جامعه باز، در دسترس مردم جهان و پذیرای تمام سهم‌گذاری‌ای خواهد بود که مردم آزاد اندیش جهان، علیرغم میل سران سیاسی دنیای بورژوازی، در آن خواهند کرد. مردم جهان، ایران آزاد را قبله خودشان قرار خواهند داد. عرصه‌ای برای شکوفا کردن یک مدل آلترناتیو، یک زندگی آلترناتیو. ایران سوسیالیستی یک جامعه خاکستری نخواهد بود. خیلی رنگین، خیلی جهانی، خیلی شلوغ. کانون خلاق‌ترین و پرشورترین و پرمایه‌ترین چهره‌های دنیای معاصر از کشورهای مختلف.

تلاشگران: فرض بر اینکه حزب شما حاکمیت را در ایران به دست بگیرد برای اداره کشور منظور ایجاد دستگاه اداری جدید مورد نظر شما بجای دستگاه اداری موجود که چند میلیون کارمند و کارگر ریز و درشت ولی ناهمگون با تفکر اداری مورد نظر شما، چه اقداماتی را طرح‌ریزی کرده‌اید و خلاصه اینکه برای این مشکل اساسی چه پاسخی دارید؟

منصور حکمت: ما با انقلاب سر کار می‌آییم و پروسه انقلابی، فرهنگ و ذهنیات کهنه را سرعت نقد و جارو میکند. انقلاب یک نوع تولد دیگر است. چشم‌گشودنی است به ارزشها و روشهای اساسا متفاوت. مردم انقلاب کرده اصرار دارند از گذشته‌ای که در هم می‌کوبند فاصله بگیرند و نو را بیازمایند. در نتیجه من نگرانی‌ای از این بابت ندارم. ما قرار نیست همین جمهوری اسلامی را تحویل بگیریم و تعدیل و اداره کنیم. این مشکل اصلاح‌طلبان است. ما همراه یک انقلاب سیاسی و فرهنگی روی کار می‌آییم و همان روند هم مدیران جامعه را، که در سیستم ما خود مردم انقلابی‌اند بدست میدهد. انسانها در نظامهای اجتماعی و سیاسی مختلف ظرفیتهای متفاوتی از خود بروز میدهند. به نظر من دشواری اصلی بر سر راه یک دنیای بهتر، ... صفحه بعد

ما همراه یک انقلاب سیاسی و فرهنگی روی کار می‌آییم و...

منصور حکمت

تلاشگران: همان گونه که شاید شما قبول داشته باشید در جامعه ما دهها و یا صدها سال است که در زمینه اقتصادی، فرهنگ دلالی که در این اواخر یعنی دوران جمهوری اسلامی شدت بیشتری یافته است بدین معنی که از فرهنگ تولید و یا حتی فرهنگ کار و تکامل و توسعه ابزار تولیدی به شیوه مدرن خبری نبوده است. حال سؤال این است که آیا حزب کمونیست کارگری ایران برنامه خاصی برای این مشکل اجتماعی دارد یا نه. اگر دارد آیا متخصصین کارآموزدهای را برای حل این مشکل پرورش داده است یا نه؟

منصور حکمت: قبل از هر چیز، فکر نمی‌کنم با همین مشاهده شما موافق باشم. برای برجسته کردن شاخه‌های انگلی در اقتصاد ایران امروز، قدری در این تصویر اغراق کرده‌اید. بزرگترین بخش جمعیت ایران را کارگران و کارکنان مزدبگیری تشکیل میدهد که در واحدهای تولیدی و خدماتی مختلف کار میکنند. از این گذشته ایران یکی از بزرگترین تولیدکنندگان نفت در سطح جهانی است. از نظر تولید و تکنولوژی یک کشور میانه حال در بیرون حاشیه جهان پیشرفته صنعتی است. قشر تحصیلکرده و متخصص وسیعی دارد. یک طبقه کارگر باسواد و از نظر تکنیکی نسبتاً پیشرفته دارد. مشکل اول ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت صنعتی و اقتصادی نیروی انسانی کارآمد و متخصص نیست، بلکه نظام اجتماعی و سیاسی است.

اما در پاسخ سؤال اصلی شما باید بگویم که نه فقط در ایران، بلکه در هر کشور دیگر در دنیای امروز با جهانی شدن تکنیک و تخصص و اطلاعات، نیروی اصلی تکامل و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، انسان آزاد است. انسان رها شده. انسانی که اختیار زندگی فردی و جمعی خود را به کف آورده باشد و بتواند توان و خلاقیتش را در خدمت رفع نیازهای خود و جامعه‌اش آزادانه بکار بیندازد. عقب‌ماندگی اقتصادی در دنیای امروز بارومتر و شاخص اسارت و انقیاد سیاسی مردم است. فقر علامت بی‌حقوقی است. عقب‌ماندگی اقتصادی جامعه نشان فروکوفتگی سیاسی و فرهنگی انسان است. و از این رو در واقع این تنها حزب کمونیست کارگری است که به مسئله عقب‌ماندگی اقتصادی و تولیدی جامعه پاسخ دارد. یک جامعه آزاد، رها، خوشبین و یک نظام سیاسی که حق و حرمت شهروندان را بالاتر از هر اصلی میدانند، مایه یک انفجار عظیم در قدرت آفرینش و سازندگی مردم ایران خواهد شد. آنوقت خواهیم دید که چقدر این مملکت آدم متخصص و توانا دارد. ما لازم نیست از امروز کسی را آموزش بدهیم، ما باید کاری کنیم که موانع سیاسی دخالت مردم در سرنوشت اجتماعی و اقتصادیشان برطرف شود. انقلاب کارگری، رهایی سوسیالیستی، تنها پاسخ برای اقتصاد ایران است. کسی که میگوید جمهوری اسلامی باید آنقدر در شاهراه اصلاح‌طلبی ملی-اسلامی پیش برود و اسلام و آخوندیسم در ایران آنقدر پاستوریزه و آمریکائیزه بشود که سرمایه و تکنیک و متخصص آسیای جنوب شرقی

پایه حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شورای است

منصور حکمت: راستش خیلی وقت بود این اصطلاح «تضاد اصلی» را نشنیده بودم. اگر منظورتان این است که آیا ما جدال طبقاتی در جامعه سرمایه‌داری معاصر را کلید تحول تاریخی میدانیم، پاسخ مثبت است. اگر چیز مهمی را در دنیا میخواهیم عوض کنیم، این درپچه ورود به مسأله است. اتفاقاً مسأله محیط زیست این واقعیت را آشکارتر و صریح‌تر از هر موضوع دیگری بنمایش میگذارد. محیط زیست دیگر چیزی نیست که پاسخ فرهنگی و اخلاقی و فردی و کشوری داشته باشد. صحبت بر سر رابطه کل نظام تولیدی جهانی بشر با گره ارض است. اگر میخواهیم با گره زمین رفتار متفاوت داشته باشیم، باید نظام تولیدی را بر مبنای متفاوتی قرار بدهیم. نظامی که در آن طرح و نقشه آگاهانه اعضای جامعه مشخصات روند تولید و تکنولوژی مورد استفاده را تعریف میکند و نه انگیزه سودآوری بنگاههای کاپیتالیستی و جنگ آنها بر سر گرفتن سهم بزرگتر در بازار. اینکه من باتری مصرف شده را در آشغال‌دانی نیندازم و بیفپاف مصرف نکنم، پاسخ سوراخ عظیم اوزون بالای قطب جنوب نیست. مسأله بر سر اقتصاد سیاسی جهان معاصر است. و این فوراً شما را با سرمایه به معنی وسیع کلمه، با مالکیت طبقاتی بورژوازی بر وسایل تولید و ماهیت ابزاری دولت و میدیا برای طبقه سرمایه‌دار مواجه میکند. نمیشود سرمایه و سرمایه‌داری را به حال خود گذاشت، اما جلوی تخریب محیط زیست را گرفت. جرج دبلیو بوش صاف و ساده علت مخالفت آمریکا با توافقات کیوتو را مُضَر بودن آن به حال بیزنس آمریکا اعلام میکند. اگر خلصت مخرب سرمایه‌داری برای بشریت و تناقض این نظام با شکوفایی جامعه بشری بخواهد مصداقی داشته باشد، همین محیط زیست گویاترینش است. مبارزه طبقاتی فقط بر سر دستمزد نیست. بر سر جامعه است. بر سر آینده است. مسأله محیط زیست و آینده گره زمین هم به مبارزه طبقاتی گره خورده است.

مصاحبه با نشریه تلاشگران، شماره دوم - اکتبر ۲۰۰۱

منتخب آثار منصور حکمت، ضمیمه شماره ۲ - آوریل ۲۰۰۷

نخواستن و یا نتوانستن اعضای جامعه نیست، بلکه موانعی است که نظم موجود بر سر تغییر قرار میدهد. سیستم اجتماعی موجود به هزاران شیوه، از قهر و خشونت عریان توسط ارتش و پلیس، تا ادیان و سنن و ساختار فرهنگی حاکم، از فشار اقتصادی تا مغزشویی در سیستم آموزشی و در رسانه‌های جمعی، از موجودیت خودش دفاع میکند. اگر این موانع در هم شکسته بشوند، موج ترقی‌خواهی و انسان‌دوستی مردم، توسعه اقتصادی و فنی خیره‌کننده‌ای ببار می‌آورد. تمدن کهنه در برابر تمدن نوینی که مدتهاست ممکن و ضروری شده است، به هر قیمت از خودش دفاع میکند. مشکل، عقب‌افتادگی مردم نیست، ارتجاعی بودن نظام اجتماعی و سیاسی دنیای معاصر است. در ایران این حقیقت را به توان ده میشود دید.

تلاشگران: آیا به نظر شما تضاد کار و سرمایه هنوز تضاد اساسی در جهان به شمار میرود. اگر جواب مثبت باشد یک سؤال اساسی دیگر مطرح میگردد. شاید تاکنون عده اندکی از نیروهای چپ ایران به مسئله حفاظت محیط زیست بطور همه‌جانبه پرداخته باشند. ولی شاید تاکنون هیچیک از نیروهای سیاسی از چپ تا راست به این مسئله پرداخته باشند و لااقل در زمینه حفاظت محیط زیست در جهان برنامه مدونی ارائه نداده باشند. امروز یکی از مشکلات اساسی برای محیط زیست در جهان همانا تولید است. بدین معنی که مصرف انرژی - چه انرژی فسیلی و چه انرژی اتمی - بخاطر تولید توأم است با ایجاد اکسید کربن و در نتیجه بوجود آمدن تأثیرات گلخانه‌ای بر روی زمین و گرم شدن اتمسفر و اقیانوسها و غیره که جای توضیح این مسئله جای دیگر است. در حقیقت این دو در یک طرف قرار میگیرند و آلودگی و تخریب محیط زیست در طرف دیگر و باز در حقیقت تضاد اساسی بر سر بقای انسان - چه کارگر و چه کارفرما و غیره، تضاد بین انسان و محیط زیست است - نظر شما چیست؟

کارگران!

برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به قدرت خود، به قدرت میلیونها انسان گرفتار در چنگال نظام فقر و استثمار و تبعیض و بی حقوقی مطلق، برای انقلاب کارگری و برپایی جهانی نو و بهتر به حزب خودتان پیوندید! حزب حکمتیست (خط رسمی) مهمترین ابزار متحد و متشکل شدن شما، مهمترین ابزار این سرنگونی و به پیروزی رساندن انقلاب کارگری است!

زنان و مردان آزادیخواه!

همه خود را برای فردای پس از جمهوری اسلامی آماده می کنند!
نیروهای راست و ارتجاعی نیروی خود را برای دست بدست کردن قدرت از بالای سر ما، خود را برای تحمیل یکدور دیگر از استثمار و فقر و استبداد به نامی دیگر، آماده می کنند و ابزار خود را صیقل می دهند! ما، طبقه کارگر بیزار از فقر و استثمار و بی حقوقی! ما زنان تشنه رهایی از آپارتاید جنسی و تحقیر و سرکوب جنسیتی، ما جوانان و کارکنان و بیکاران و سالمندان گرفتار در چنگال نظام و حکومتی ضدانسانی، باید خود را آماده کنیم!

حزب حکمتیست (خط رسمی)، ابزار قدم نهادن به این جدال است! به حزب تان پیوندید!

hekmatist.com



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

به حزب
حکمتیست
(خط رسمی)
به پیوندید!



یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!